

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ جنوری ۲۰۱۸

مسئولیت سه جنایتکار در کشتار های کنونی

۱



چند تن از آنهایی که مسبب این جنایت و جنایت های مشابه دیگر در افغانستان اند. ننگ و نفرین نثار شان باد!

نوشتنیه - ۹ دلو ۱۳۹۶ - کابل: وقتی برای اولین بار تصمیم گرفتم تا دل به دریا زده، آنچه را می اندیشم بنویسم، به مانند همیشه که در جمیع امور جدی زندگانی نزد استاد می رفتم و مشورت می خواستم، اینبار هم مزاحم ایشان شده و قصدم را در میان گذاشتم. ایشان همان طوری که از آغاز تشویق نموده بودند تا به آن تصمیم برسم، باز هم تصمیمم را مثبت ارزیابی نموده، با سخنان حمایتگرانه شان عزمم را کاملاً جزم ساختند، که نترسم و به آنچه می اندیشم، از طریق نوشته جان ببخشم.

آنچه در همان مجلس بعد از اتخاذ تصمیم مطرح شد، این بود که به کدام نام کارم را آغاز نمایم. اسم مستعار و یا اسم اصلی؟

استاد که هم از لحاظ سن و سال و متناسب با آن تجربه برمن برتری دارد و هم از لحاظ فهم و درک سیاسی، باید سالها زحمت بکشم تا به قدمگاه شان برسم، در جواب من که گفتم: "شتر دزدی به خپ خپ نمی شود" و باید این جرأت را

داشت تا مسؤلیت آنچه را انسان می نویسد، به دوش گیرد، بحث را از حدود احساسی و اعلام موضع، عمیقتر ساخته، معایب و نقایص هریک را بدون کم و کاست، بیان داشت، مطالبی را بیان داشت که نه در کتابی خوانده بودم و نه هم بالایش فکر نموده بودم. به خصوص خلاف نظر من که فکر می کردم، امضای یک نوشته با نام اصلی، چه خطراتی را ممکن است از لحاظ امنیتی به وجود آورد و گفتم "کسی که عسل خالص می خواهد نباید از نیش زنبور ترسی داشته باشد"، با حوصله مندی تمام تشریح نمود، که از قضاء آسانترین بخش در مسؤلیت گرفتن یک نوشته با اسم و هویت اصلی، همان خطرات امنیتی آن است. زیرا قلم در دست خود انسان است و می تواند نگارشش را قسمی عیار سازد که حرفش را بزند و هم بهانه ای به دست کس ندهد، در حالی که مسایل دیگری چون، شخصیت خود را مطابق محتوای نگارش ساختن، همیشه و در همه حالت به مثابه یک نگارنده توقعات جامعه، دوست و آشنا را در نظرگرفتن، بر انتظارات و توقعات بیجای دوستان و آشنایان ضمن با دیده اغماض نگرستن در مواضع خود ایستادگی نمودن، به انتقادات آنهایی که در کنار گود نشسته و به اصطلاح عقل چهل وزیر را دارند، پاسخ گفتن، ضمن پاسخ گفتن به انتقادات و پذیرفتن پیشنهادات اصلاحی و تکمیلی به تمام آنهایی که به کار انسان برخورد جدی می نمایند احترام قابل شدن و ده ها مورد دیگر اجتماعی را برشمردند، که اگر مطمئن به برخورداری از کمک و رهنمائی دایمی ایشان نمی بودم، شاید اساساً، فکر نوشتن را نیز از مغزم بیرون می نمودم تا چه رسد به این که، آنچه را می اندیشم بدون کم و کاست با هویت اصلی یعنی نام خود و نام خانواده بر روی کاغذ بیاورم یا به تعبیر استاد، پنهانی ترین زوایای مغز را به مانند یک جراح ماهر، شکافته و بودن آن که نکته ای را از نظر بیندازم آن را در معرض دید دیگران قرار دهم، یعنی خلاف اکثریت مردم که کردار شان را مخفی می دارند تا چه رسد به پندار شان، نویسنده مکلف است تا پندارش را نیز مخفی ننموده، دوست و دشمن را در جریان آن قرار دهد.

یکی از آن موارد پاسخگویی به سوالات و انتقادات آن دوستان نیست که با تأسف یا خود بخوبی قضیه را درک ننموده اند و یا هم عناصر مغرض از کمبود فهم آنها سوءاستفاده نموده، مطلب را شکل دیگری به آنها تفهیم می نمایند. مطلبی که در واقع نوشته امروزم می بایست در همان مورد می بود، که با تأسف طولانی شدن مقاله آن را به روز دیگر انداخت. آن مطلب ارائه پاسخ به تذکر عتاب آمیز یکی از دوستان است که راجع به نشر عکس بالا و تذکر زیر عکس داشته و بر من انتقاد می نمود، که جنایت طالب را به آن سه نفر چه؟ به خصوص "عبدالله" و "کری"؟ در قسمت بعدی نوشته خواهم کوشید تا نظراتم را در آن مورد و انتخاب آن عکس بنگارم، امید است قناعت آن دوست فراهم آید

دیده شود چه می شود!!

ادامه دارد